



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل العلم نوراً

يعون الناس به في كل زمان ومكان



التي هي من كنوز الحكمة والعلوم

مطبع كسركم في مدينة بصره  
بإشراف...

بسم الله الرحمن الرحيم

حذر امن كن تب علينا الصيام و صلوة على سيدنا افضل الانام و ذرا من اخيرة العظام احباب البرة  
 الكرام اما بعد فنده درة ثمينه و فتره عظيمه مقبلا حجاج الخلاق الى الفنى الكريم محمد عبد الله  
 نسا و الكنوى مولد ابن مولانا محمد امين الله و صلوا الى غاية تمننا له سميتهما سحر الكلام الى  
 مسائل الصيام و ترتيبها على تقويمه و مقالته خاتمه مقدمه شمل ست بر چار شنب  
 تنبيه اول در فضيلت صوم مخفي نمائند كه فضائل روزه بسيار اند از ان جمله آنكه در صحيح بخاري  
 از سهل بن سعد مروى است كه فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كه جنت را هشت دروازه  
 يكى از آنها بابى است كه آن را ريان گويند داخل نشوند آن دروازه را كه روزه داران از ان جمله  
 آنكه در صحيح بخاري بروايت ابو هريره دارد است كه فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كسى كه روزه  
 دارد ماه رمضان از راه تصديق و طلب ثواب امر زيده شود و براى او گناگان پيشين و فتره  
 و حديث صحيح بروايت ابو هريره آمده كه فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كه روزه هفت  
 دو سينه آتش را از روزه دار و فتره در شكوه بروايت ابو هريره مروى است كه فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

علیه الصلوة و التسلیم که هر سه این آدم به چند تا اشتباه می رسد فرمود و تعالی مگر روزه که  
 آن در احسان و من جز امید هم روی یعنی قدر و کیفیت آن را جز من کسی نداند و نیز هیچ کافر  
 و هیچ عاصی به خود خود را تعظیم بصوم ندانسته اگر چه بسجده و شمار اموال و زیارت کردن و  
 گردوی گشتن تعظیم میکند پس این روزه عبادت مخصوصه جنبه باریست و از آن جمله  
 آن که در صوم بر آنکه شرک اصغر است و علی بن ابی طالب و کجسی مطلع بر روزه نشود مگر با طهارت صائم و در آنجا  
 آن احتمال در فرغ است بخلاف نماز و حج و غزوه و صدقات و غیره عبادات که صورت ظاهری  
 دارند و مردم بحیله آنها بدام می افتند و نیز استغنا از طعام و شراب از صفات رب مطلق است  
 و آن صفت روزه دارد و روزه حاصل میشود کذا فی شرح سفر السعادت فائده علمای از  
 صوم و صلوة بر یکدیگر اختلاف است چه بر آنند که صلوة افضل است از صوم بدلیل حدیثی  
 که ابو داود در روایت کرده که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم و اعلموا ان خیر اعمالکم الصلوة  
 انشی و بعضی گفته اند که صوم افضل است از صلوة بدلیل حدیثی که نسائی از ابوالامیه روایت  
 کرده که آدم نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم و گفتیم که بفرمایا رسول الله مگر کاری که اخذ کنم  
 آن کار را فرمود لازم گیر بر خود صوم را که هیچ عملی مثل آن نبود و پیغمبر صوم و صفت  
 صوم پوشیده نماید که صوم در لغت امساک مطلق را گویند و در شرع عبارت است  
 از امساک مسک یا مسک که پاک از حیض و نفاس باشد و این مفسطرات باینست از طلوع صبح صادق  
 تا غروب آفتاب کذا فی الدر المختار و حکمت در تخصیص و زاین است که شب همه مردم مثل  
 مردگان خفته می باشند و باز از مسک و میشود و در روز همه بیدار میشوند و باز از ناقد می گردد  
 و او را شیا بگوشت می رسد و هر چه قابل دیدنی دیده میشود و نظر بسوی سینان جهان  
 می افتد لاجرم طبع مردم را غیب بیا کل شرب و جماع میشود و غرض از صوم امساک نفس است  
 لهذا تعین و زگر دیده تا کلفت و شفت گردد و خلاف هوای نفس و امساک متحقق گردد  
 و اگر شب روزه می شد مردم نمی سپیدند شفت نفس حاصل نمی شد و غرض روزه کما  
 متحقق نمی گردد کذا فی فتح العزیز و روزه ماه رمضان ادا باشد خواه قضا بر هر مسلم که

عاقبت بالغ باشد فرض است کذا فی مجمع البرکات و قضیت رمضان بعد از یک نیم سال  
 از هجرت است کذا فی الدر المختار و اگر صبی روزه دارد یا شخصی بعد نیت روزه مجنون یا بیهوش  
 که در روزه اش صحیح است کذا فی الدر المختار و بولی را باید که وقتیکه صبی را طلاق دهد روزه  
 داشتن کرد حکم بر روزه داشتن نماید و چون عمرش به ده سال رسد بر ترک صوم او را  
 بزند کذا فی الدر المختار و هر یک که ماه رمضان علی سبیل الاشتباه را بلا عذر قضا در روزه  
 امام را قتل او می رسد کذا فی القسطنطیه و اگر شخصی چنان است که اگر روزه به او از قیام عاقل  
 شود او را حکم است که روزه بدارد و نماز را نشسته و اسازد کذا فی الدر المختار و در هر  
 روزی از ایام رمضان که مسافر تقیم شود و حائض و نفسا پاک نشود و مجنون اگر امام یا  
 و بیچاره حج کرده و صبی بالغ نشود و کافر مسلمان گردد و بقیه آن روز اساک همه با و است  
 کذا فی تنویر الابصار تبیین سوم در بیان نیت منتهی میاید که نیت روزه عبارتست  
 از آن که مسلم از قلب خود بداند که من روزه خواهم داشت کذا فی العالمگیریه و سنت آن است که  
 تلفظ نیت هم سازد و تقسیم لفظ انشاء نیت باطل نمی شود و بعد نیت اگر شب  
 قصد افطار نمود نیت باطل خواهد شد و در نماز اگر نیت صوم بقلب نماید حجج سنت نماز فاسد  
 نخواهد شد کذا فی الدر المختار و روزه هر روز رمضان محتاج بنیت است اگر چه روزه اگر حج  
 و مقیم باشد کذا فی الدر المختار و اگر در ماه رمضان نیت صوم کرد و نیت افطار را تا این قدر میداند که  
 رمضان است الظاهر آن است که روزه دار نخواهد شد کذا فی مجمع البرکات ناقله عن المحیط البر  
 و آرا ده کردن به بیطلو که صباح اگر دعوت من خواهد شد افطار خواهم کرد و اگر دعوت من نشد  
 روزه خواهم داشت نیت نیت کذا فی العالمگیریه و در طلبی می آر که سحر خوردن  
 نیت روزه خواهد شد کذا فی البدر جندی و اگر سحر خورد و قصد نمود که صباح روزه  
 نخواهم داشت این سحر خوردن نیت نخواهد شد کذا فی العالمگیریه و کفایت می کند  
 روزه رمضان را که او باشد و روزه نذر را که بروز معین باشد نیت شب یعنی بعد از غروب  
 آفتاب نه وقت غروب و نه قبل غروب کذا فی الدر المختار پس اگر قبل غروب نیت کرد

که فردا روزه رمضان خواهد شد این نیت کافی نخواهد شد که انی السحریه بهم کافی است  
 ادای روزه رمضان و نذر معین را نیت روز بشرط آنکه تحقق نیت قبل از نصف النهار شرعی که  
 عبارت از ابتدای طلوع صبح صادق تا غروب آفتاب است باشد و اگر نیت بوقت  
 بشرعی یا بعد از آن متحقق شود ادای روزه رمضان و نذر معین جائز نشود که انی الله الختار و اگر  
 و اگر در رمضان بر روز نیت کند باید که نیت سازد که از اول مدو در روزه دارم و اگر نیت سازد که  
 ازین وقت روزه دارم روزه او نخواهد شد که انی العالمگیریه و برای روزه نفل اگر نیت قبل از آفتاب  
 متحقق شود و روزه جائز شود و الا فاسد گردد که انی الهدایه و برای روزه قضا و روزه کفار معین  
 و کفار رمضان غیر آن و روزه نذر مطلق که بر روز معین نگردد و دیده باشد بشرط است که از شب نیت  
 باشد که انی العالمگیریه اگر چه متعارف طلوع فجر بود که انی قنای و قاضی خان و ادای روزه  
 رمضان به نیت روزه نفل و به نیت مطلق صوم هم میشود و مقیم باشد یا مسافر صحیح باشد یا  
 مریض که انی شرح ابی الکرام و اگر صحیح یا مقیم در ایام رمضان نیت روزه واجب یک روزه قضا و کفار  
 و نذر نمایند آن روزه از رمضان خواهد شد و مسافر در راه رمضان اگر نیت روزه واجب آخر سازد  
 نذر تمام عظمی آن روزه از آن واجب خواهد شد و نذر چهارمین آن روزه از رمضان خواهد گردید  
 فی شرح ابی الکرام و مریض اگر نیت واجب آخر سازد صحیح اینست که آن روزه از رمضان خواهد شد  
 که انی العالمگیریه و قاعن الکافی در روزه نفل و روزه نذر معین به نیت نفل نیت مطلق صوم  
 میشود و روزه نفل نیت روزه قضا و کفار و نذر صحیح میشود که انی شرح ابی الکرام و در نذر معین  
 اگر از شب نیت واجب آخر نمود آن روزه از نذر واجب خواهد شد و قضای نذر بر روز واجب است  
 که انی شرح ابی الکرام و العالمگیریه و اگر بر روز نیت واجب آخر نمود آن روزه از نذر معین خواهد گردید  
 که انی شرح ابی الکرام و اگر از یک رمضان خواه در رمضان چند روزه قضا بر روز نذر و در روزه  
 آن است که قضای اول و اول رمضان اولاد سازد و در نیت تعیین اولیت نماید اگر کلاً نذر  
 او اندک یا تعیین اولیت و ثانویست نساخت تا هم جائز خواهد شد و قانع البال خواهد گردید که انی الختار  
 و العالمگیریه و فقیه که افطار در روزه رمضان ساخت و کفاره شرب آب و از نذر نیت و نیت یک روزه

داشت تعیین و تقریر کرده قضا و كفارة سياحت جائز خواهد شد كذا فی العالمگیر  
چارم در بیان سحر و افطار باید دانست كه سحر خوردن مستحب است كذا فی الاركان و العالمگیر  
می آید كه وقت از آخر شب است و نزد فقهاء ابو القیث و قیث است كه مسیوم است  
باقی ماند و تا آخر سحر مستحب است و تا آخر آن تا وقت كه شك واقع شود دیگر وقت و نه گاهی  
در غروب آفتاب شك بود افطار كردن جائز نیست و تحمیل افطار افضل است و وقت افطار  
سنت آن است كه بگوید اللهم لك صمت و بك امنت و عليك توكلت و علی رزقك افطر  
و بصوم الغدین شهر رمضان یوبیت فاعف عني ما قدمت و ما اخرت و نه گاهی كه در طلوع فجر شك  
بود افضل این است كه سحر خورد و كذا فی الهدایة و بحر العلوم رخ در آید كه آن تحریری می فرمایند كه سحر  
خوردن در نجاست مكروه و تحریری است لکن اگر خورد و قضا و زهر نیست و امام محمد در روایات  
میفرمایند كه تحمیل افطار مستحب است و تحمیل مغرب پس زهره در اختیار است خواه نماز فرض  
مغرب قبل افطار ادا سازد خواه افطار قبل از نماز مغرب نماید اما تقدیم سنت بر افطار نه نماید  
كذا فی الاركان و در روز تحمیل افطار مستحب نیست كذا فی فتاوی قاضی خان و ترمذی  
روایت کرده كه آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمود كه صیام افطار به خرمای تر سازد و اگر نه  
بسیه یا می خشك و اگر نه یا آب مقاله افولی مشتمل است بر چهار اشق اشراق اول  
در بیان روزه نفل باید دانست كه روزه نفل بعد از شروع كه قصدا واقع شود لازم میگردد و  
اگر فاسد شود و بآبدن حیض باشد قضای آن واجب است كذا فی الد المختار و روزه نفل  
اگر بعدین یا ایام شیرین کسی ندارد لازم نمیشود كذا فی تنویر البصار و اگر درین ایام روزه را شروع  
كرده افطار نماید قضا واجب نیست كذا فی العالمگیر و تا غیر عذر افطار روزه نفل مستحب نیست  
كذا فی تنویر البصار و بحر العلوم سحر در اركان تحریر میفرمایند كه حق این است كه افطار روزه نفل بعد  
از هر جائز است و بعد از صیافت افطار روزه نفل در هر صبح است همان او هم گاهی گفته  
كذا فی الاركان و الد المختار و تمسك است كه اگر واجب بود سحر و خصوص آن صایم رضی الله عنه و در  
قیان افطار بسیار نیست الامباح است كذا فی الد المختار و سائل سائل می گوید كه اگر نفس خود را عطا دارد



که قضا این منقو که داشت نخواهد شد افطار سازد و اگر اعتقاد ندارد و افطار نماید اگر چه ضیاع کند  
 تا خوش می شود و در ذخیره می برد که این حوازا افطار قبل و ال است و بعد زوال افطار ربوی  
 جائز نیست مگر در صورتیکه بعد از افطار حقوق علی از والدین باشد کذا فی العالمگیریه و ذخیره  
 و زنی را بی اذن شوهر روزه نفل است و در حالیکه ضرر بزوج رسد مگر به جهت و اگر ضرر بزوج  
 نرسد مثل آنکه بوج روزه دار بامریض باشد مگر به جهت کذا فی المحوی و غلام و حائزه ای این  
 مولی روزه نفل است مگر به جهت کذا فی المحوی و اگر در این افطار گنا نیند شوهر و مولی  
 افطار سازند قضای آن بر وجه واحد است تا اذن شوهر خواهد بود بنیوت و بر ملکون چیست  
 باذن مولی خواهد بود کذا فی الدلالتی و مولی را جائز است که روزه نفل ملک افطار کند  
 کذا فی المحوی و شوهر را جائز است که روزه نفل و افطار کند اگر ضرر یا درسد کذا فی المحوی  
 و ملک اگر غایب باشد و از صوم نفل و ضرر مالک نرسد و از روزه نفل است بی اذن مولی  
 جائز است کذا فی فتاوی قاضی خان و اجیر از روزه نفل است در حالیکه مضرت در خست تا بر  
 ماقتبی اذن او چه نیست و اگر مضرت اقتدبی اذن او روا نیست کذا فی العالمگیریه و دیگر  
 قضای رمضان بر ذریه کسی باشد صوم نفل و اگر روزه نیست کذا فی العالمگیریه اشراق دوم  
 در روزه هجری مستحبات تمام سال اول روزه عاشورا کذا فی العینی شرح الهدایه و در سطر حشری روزه  
 که روزه عاشورا منفرد است سنون این است که نهم و دهم روزه دارد کذا فی العالمگیریه  
 و بقایه روایت کرده که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم که روزه عاشورا کفارت کیال  
 یعنی سال گذشته میگذارد کذا فی شرح سفر السعاده و دهم روزه سه و دوازده ماه هر سه  
 که باشند کذا فی الارکان سه و دهم روزه های ایام میثی نیند دهم و چهار دهم و پانزدهم در ماه  
 سنوی ای حجه و ادا دوی حجه پس ایام میثی عبارت اند از چهار دهم و پانزدهم و شانزدهم کذا فی الارکان  
 چهار دهم و دوی یعنی یک روزه دارد و دیگر روز افطار سازد و پانزدهم تمام سال کذا فی الارکان  
 پنجم روزه حجه کذا فی شرح سفر السعاده شش روزه شعبان کذا فی شرح سفر السعاده هفتم  
 روزه اگر چه منفرد باشد کذا فی الدلالتی و سحر العلوم و در ارکان تحریری فرماید



که روزه همه بغیر نهم یک روز قبل آن یا بعد آن مکرور است هشتم روزه روزه و شنبه کذا فی شرح  
 سفر السعاده نهم روزه روز شنبه کذا فی شرح سفر السعاده و نهم روزه بخت و نهم روزه  
 کذا فی مابیت بالسکته یا نهم روزه یا نهم شعبان کذا فی مابیت بالسکته و نهم روزه  
 روزه شش روز و ماه عید الفطر بعد روزه عید الفطر کذا فی الارکان در حدیث صحیح بر روایت  
 ثوبان رضی الله عنه آمده که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم کسی که روزه هشت رمضان را  
 و شش روز دیگر را بعد از او حاصل شد او را روزه تمام سال انتی و این مقتضای من جا با حسن فله  
 عشرتها کذا فی شرح سفر السعاده و شش روز یا شش روز بعد از عید با عید آن است  
 که به تفویض او نماید بتوای و در طریقه یا دروه که تفویض باین طور که در هر هفته در روزه دارد و شش کذا  
 فی العالمگیره سیتم روزه نیز در ماهی حج یا نهم روزه کذا فی شرح سفر السعاده اما روزه عرفه برای حاج  
 اگر نصف پیدا نشد تکلیف است کذا فی الدر المختار و اگر ضعف پیدا نماید مکرور است و همچنین است  
 حکم روزه هشتم روزه کذا فی العالمگیره و ابو قتاده روایت می کنند که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم  
 که روزه روز عرفه کفار و دو سال می گردد و سال گذشت و سال آینده کذا فی شرح سفر السعاده  
 فاکر بر روزه فیت روزه قضایا نیز یا کفار نمود و هم نیت روزه عرفه ساخته بعضی علماء گفته اند  
 که آن روز مانده و خواهد شد کذا فی المومنی اشراق سوم در روزه های حرام و مکرور  
 باید دانست که در تمام سال چه روزه حرام اند روزه عید الفطر و روزه عید الضحی و سه روز بعد  
 عید الضحی کذا فی مجمع البرکات در روزه های مکرور بسیارند اول صوم وصال و آن وصل کردن  
 میان روز در روزه و شش و شب چیزی نخوردن امام محمد راجح در موطا تحریری فرمایند اول  
 مکرور و دهوان یو اصل الرجل بین یومین فی الصوم لایاکل فی اللیل شیئا انتی و بحر العلوم راجح  
 در ارکان صوم وصال احرام تحریر می نمایند و شیخ عبد الحق محدث دهلوی در شرح سفر السعاده  
 بنویسند که صوم وصال نزد ابو حنیفه جائز نیست و در صوم صمت که در روزه کلامی سازد  
 و آن مکرور است نیز کذا فی العالمگیره و الدر المختار صوم روزه روز نهم و روزه و آن مکرور است  
 نیز کذا فی الدر المختار چهارم روزه روز و آن مکرور است نیز کذا فی الدر المختار و مکرور

نوروز یا هر جان موافق اقتدای روزی که عادت فزده است آن و در میان در خصوص کرامت نیست  
 کذا فی العالمیه به سیم صوم الدهر که در تمام سال و زده اردو بحر العلوم در ارکان تحریر می نماید که روزه  
 و شستن تمام سال این طور که در ایام نسیه هم انظار سازد حرام است و اگر در ایام نسیه فطار نماید بیکر و ده  
 که است تنزیه ششم روزه روز شنبه منفرد و آن مکروه است تنزیه کذا فی الله المختار و در العالمیه  
 می آرد که روزه روز شنبه و روز یکشنبه اگر تعطیل این روز منوط نباشد بضرافه ندارد و بهر استقبال  
 ماه رمضان بر روزه شستن و روز یازدهم و زیاده از یک روزه قبل رمضان و آن مکروه است تنزیه و اگر  
 مردم عادی و روزه روزه شنبه باشد و اشترعان همین روز افتاد با عادت صیام آخر هر روز  
 آن زمان مضائقه ندارد کذا فی الارکان اشراق چارم مثل است بر روزه تنزیه اول  
 در میان امور یک روزه را مکروه سازند اول چشیدن کذا فی خیر بلا عذر کذا فی العالمیه و اگر است  
 چشیدن در روزه فرض است و در عوم نفل مکروه است کذا فی العالمیه و دو هم خاییدن کذا  
 خیر بلا عذر کذا فی العالمیه و سیم بوسه گرفتن بشرطیکه خوف جماع یا انزال باشد کذا فی البکر  
 حارم مکیدن لب که اگر تقبیل فاحش نامند کذا فی العینی شرح الهدایه سیم مباشرت فاحش  
 اگر خوف انزال یا جماع باشد کذا فی الله المختار و آن عبارت است از آنکه مرد و زن با هم محافقه  
 سازند و چنانکه هر دو برهنه باشند و ذکر مرد با ظاهر هیچ زن مساس نماید کذا فی العالمیه و بعضی  
 گفته اند که مباشرت فاحشه مکروه است اگر چه این باشد که انزال و جماع و بهر وجه کذا فی العالمیه  
 ناظران السراج الوهاج ششم و روزه گفتن کذا فی الارکان هفتم کلام فحش از زبان بلورد  
 کذا فی الارکان هشتم جناب کردن کذا فی شرح سفر السعادت آنهم غیبت کسی نمودن کذا  
 فی الارکان و هم چهل خوری کذا فی شرح صراط المستقیم یازدهم برای خنکی غسل نمودن کذا  
 فی الارکان و دوازدهم بار چوبه بریدن نهادن کذا فی الارکان سیزدهم آب بر شستن و زدن  
 ابو یوسف مکروه نیست اهل انکه کذا فی العالمیه تا قدام محیط الشری حار و هم بوقت  
 خوردن شهادت یافون یا دیگر چیز بلا ضرورت چشیدن کذا فی الحقیقه یا نزد هم بغیر از وضو و مباشرت  
 مضطرب نمودن یا در کلی آن نداشتن کذا فی العالمیه شانزدهم در دهن خود آب یا

تا در وقت کذا فی مجمع البرکات نهفتند هم لعاب ادرین خود جمع نموده فرو بردن کذا فی مجمع  
 البرکات هم در هر طایفه و در آنجا نمودن کذا فی العالمگیریه نوزدهم مبالغه نمودن  
 در سب تا کذا فی السراج الوهاج <sup>در هر طایفه</sup> نوزدهم در پیتر یا یکروزه را مکرده نه سال انداول  
 سر کشیدن و گفتیکه قصد زینت نداشته باشد اما وقت قصد زینت کرده است و درین  
 کرامت صایم و غیر صایم هر دو برابرند کذا فی العالمگیریه دهم در برت و دهن بالیدن کذا  
 فی مجمع البرکات سیم سوک کردن تر باشد یا شک اگر چه بلذروال هم باشد کذا فی السراج  
 و نزد امام ابو یوسف سوک ترا ز آب نمودن مکرده است و در ظاهر الروایت مکرده است اما  
 سبتر پس با اتفاق مکرده نیست کذا فی العالمگیریه چهارم بوسه گرفتن از خوف اترال جماع بنا  
 کذا فی العالمگیریه پنجم معانقه کردن از خوف اترال جماع بنا باشد یا معانقه کننده شیخ کبیرین باشد  
 کذا فی العالمگیریه ششم چشیدن چیزی که اراده خرید آن دارد و بی چشیدن حال آن از جود  
 و در ارت بدرایت نمی آید و احتمال غین هست کذا فی البرجندی و العالمگیریه هفتم شستن کل  
 گلاب یا عطر بوئیدن کذا فی مجمع البرکات هشتم چشیدن چیزی یا خائیدن چیزی بعد از  
 عذر چشیدن آن است که شوهر زن یا مالک آن کج خلق باشد و عذر را میزند آن  
 که حاجت خائیدن طعام را می طلب است و کسی از غیر صایمین مثل حائض یا نفسا حاضر نیست  
 و غذای نرم همچو شیر و غیره بدست نمی آید کذا فی العالمگیریه نهم حجامت کردن کذا  
 فی مجمع البرکات اگر خوف ضعف نباشد اما وقت خوف ضعف مکرده است و منرا و است  
 را تاخیر نمودن در حجامت تا وقت غروب و شیخ الاسلام ذکر کرده است که شرط کرامت  
 ضعف است که در آن احتیاج سوئی فطار افتد و همچنین است حال قصد کذا فی العالمگیریه دهم  
 مس نمودن از خوف اترال یا جماع نباشد الا که مکرده است کذا فی العالمگیریه یازدهم  
 شستن دست بر دو کلام کلام اول در امور یکم مفسد و نه نشوند انوشیدن آب بغیر یا دروزه کذا  
 فی المراتبه خوردن پیزی یا غیر یا دروزه کذا فی الوقایع جماع کردن یا دروزه کذا فی السراج  
 و بر آمدن نمی از فکر نمودن یا زدن بشهوت سوئی فرج زن یا درونی کذا فی العالمگیریه

استعمال و غیره و این کذا فی الهدایه و مسرور چشم کشیدن گوشت و اشک حلق هم یافته شود کذا  
فی الدر المختار و غیبت کسی کردن کذا فی تنویر الابصار از خود قی آمدن بر پیری من کلمه از  
خواه از خود باز گردد یا باز نگردد و نزد ابو یوسف حج اگر پیری دهن آمده خود باز گردد و غیبت  
کذا فی الارکان طاعت نمودن یعنی جماع کردن در خواب با تنزال کذا فی الهدایه می  
بقصد خود و بکلفت بجال یا در روزه اندک قی نمودن نزد ابو یوسف حج و اما نزد امام محمد درین  
صوت روزه فاسد است کذا فی الدر المختار و اما تصحیح مجتبیان اگر چه تمام روحان حیات  
ماند کذا فی الدر المختار و در سوراخ ذکر خود آب یا روغن را چکانیدن کذا فی الدر المختار  
چکانیدن آب در گوش خود یا در آیدن آب از خود در گوش کذا فی الارکان یک در فو قش غبار  
یا گس یا در در حلق گور زه یا و باشد کذا فی الدر المختار و عطر یا خوشبوی دیگر را کذا  
فی السراج النیر و بوسه گرفتن بخالیکه نوبت با تنزال نرسد کذا فی الدر المختار و مساس  
کردن بخالیکه نرسد و مسح و انداختن رانها کشیدن کذا فی فتاوی قاضی خان لطیف  
یا مانند آنرا از خارج گرفته حاضرین بشرطیکه مزاجش بخلق یافته نشود و اگر مزه یافته شود  
روزه فاسد گردد کذا فی الدر المختار و کجاست کردن در شمار روزه کذا فی الارکان کتاب  
بدین گرفتن و شیرینی آن بخلق یافتن کذا فی العینی شرح الهدایه کتب چکانیدن و چشم کردن  
بخلق هم یافته شود کذا فی العالمیه کج از آب بر غسل نمودن گوشتی آن باطل هم یافته شود  
کذا فی العالمیه کج از غوطه زدن در آب اگر چه در آب در گوش محمد را کذا فی العینی شرح الهدایه  
که داخل شدن اشک چشم یا عرق پیشانی قطره یا در قطره یا مانند آن بخلق کذا فی العالمیه  
گو خوردن گوشتی که از خود بدندان مانده باشد کذا فی العینی شرح الهدایه کج از روزه را  
بسیان کرده بکلفت خود قی نمودن بر پیری دهن کذا فی العینی کج بکلفت قی آوردن کلمه از  
دهن باز بقصد خود فرو بردن علی الصبح الروشین کذا فی الدر المختار و کج از خود بخود باز گردیدن  
که کلمه از پیری دهن باشد و بکلفت بر آورده شده باشد کذا فی تنویر الابصار چشم کشیدن  
یا دوانی بدان انگزدن بکلفتش فرو رود کذا فی العینی شرح الهدایه لا بخلق فرو بردن کج

میان دندان بود کذا فی البحر جی لب ۳۲ قصد افطار کردن و چیزی مغطر زوده تمام کرد  
 کذا فی العالمگیریه الحج ۳۳ بن رسیدن آبیکه در بینی انداخته شد و صعود نمود کذا فی القیته ۳۴  
 بحلق فرو بردن لعابی که از دهن خارج شده اما طرفه آخر هنوز از دهن الفطاح نیافته و اگر الفطاح  
 یافته و پس ازین خورد روزه او فاسد گردد کذا فی العالمگیریه که قصد گرفتن کذا فی العینی  
 لغویها شرت فاحشه بودن الفزال کذا فی الارکان که سر خوردن بجاییکه در طلوع فجر شکست و  
 کذا فی الارکان الحج ۳۴ جماع کردن از چارپایه یا مرده یا در غیر قبل و در مثل شکم دران و نایب یا  
 جلق زدن به بشرطیکه درین همه صورتها نوبت بانزال نرسیده باشد کذا فی الدر المختار لفظ  
 سهوا یا قبل طلوع صبح صادق شروع به جماع کردن و وقت نیاد آمدن روزه یا طلوع صبح صادق  
 فوراً ذکر کشیدن و اگر درین هر دو صورت بعد تذکره روزه و یا بعد طلوع صبح صادق ذکر  
 را کشید تا اینکه مثل شد معلوم درین اختلاف و از بعضی برین آنکه که بر و قصاست فقط بدو  
 کفاره و بعضی تفصیل ساخته اند بدین طور که اگر ساکن باشد و حرکت نداد فقط قصاست و اگر حرکت  
 داد و کفاره هم لازم است کذا فی مجمع البرکات ناقلا من فتاوی قاضی خان هم شکم داخل شدن  
 تری آب که بعد از غصه بدین ماند صالغاب بن آمیخته کذا فی العالمگیریه تا داخل حلق نمود  
 یا نمیکه از سر برینی رسیده کذا فی مجمع البرکات مسک رسیدن سنگی تا داغ یا شکم از راه شکم  
 یا زخم شکم کذا فی البحر جی حج ۳۵ رسیدن رطوبه چیزی همچو آب بیاطن از راه سامت کذا  
 فی شرح ابی الککار هم که بوسه گرفتن چارپایه یا فرج او را مناس نبودن اگر چه مثل هم شود کذا  
 الدر المختار شبه منزل شدن مردی جاییکه زنی او را مناس نمود کذا فی مجمع البرکات که در اصل حلق  
 گردیدن خونیکه از دندان برآید بی آنکه بشکم رسد کذا فی تنویر الابصار هم بشکم رسیدن خونیکه  
 از دندان برآید بالعاب بن بشرطیکه لعاب دهن غالب باشد و اگر خون لعاب این هر دو  
 مساوی باشند یا خون غالب بر لعاب بن باشد روزه فاسد گردد کذا فی الدر المختار فتح داخل نمودن  
 مرد یا زنی شکست خشک او در بر یا در فرج و اگر شکست تر باشد روزه فاسد گردد کذا فی الدر المختار  
 مرط فرو بردن لعابیکه در دهن است کذا فی فتاوی قاضی خان ۳۶ فرو بردن لعابیکه بر لب

گفتگو هر دو لب از ان تر شده اند کذا فی الدر المختار نا ظاهر شدن اثر سرکه که کشیده  
 در لعاب است کذا فی مجمع البرکات تبشیر شده زرد لعاب است این مکرر تر کردن آبی اگر فستق و زین  
 باشد و رنگ و در لعاب و این مختلط شود و آن اقصا بحال یا در روز و خلق فرد و روز و نه سار و در  
 کذا فی الدر المختار تبشیر و خل شدن اجزای غذا بخلق بوقت دم کشیدن و سحره کذا فی خزائن الاکمل و در  
 فتاوی الدعوى السفی نوشته است که روزه فاسد میشود و اگر سیدین تیری در حکم صائم که طهر و ان  
 خارج ماند کذا فی العالمگیری و اگر بچکان و شکم باقی اندر روزه فاسد گردد کذا فی الدر المختار و فردین کما  
 درین بویکین علیه بشرط یکفایت علیه فعل نشسته باشد کذا فی العالمگیری و فتاوی قاضی خان قاعده  
 کلیه هر چیزی که مقصود باطل نباشد و احترار از ان ممکن نبود همچو مکرر از خود بخلق صائم فرد و فستق و روزه  
 نیست کذا فی العالمگیری که کلام دوم در نفی صوم و ان مثل است به یک تعداد و موجب ثقل  
 در میان کفاره بداند که وجب نمیشود و کفاره مکرر یا فساد او ای روزه رمضان عمدتاً نیست کذا فی العبد  
 بحال که مکرر نباشد و مسقط روزه همچو مرض حیض عارض حال انوشه و کذا فی الدر المختار و اگر روزه فعل  
 یا روزه قضاء رمضان یا روزه نذر یا روزه کفاره یا روزه واجب آخر یا عمدتاً اشکن کفاره لازم  
 نیاید کذا فی البحرندی قاعده کلیه وقتی که آخر روز اصفیه عارض حالش گردد که مکرر صیفت  
 اول و عارض حال او نمیشود و اگر افطار مباح میگردد کفاره از وسائط میشود و کذا فی فتاوی  
 قاضی خان پس اگر مردی افطار نمود و بعد از ان مریض شد برضی که روزه در شوق نمی تواند  
 یا زنی افطار نمود قصد او در همان روز حیض آورد یا مریض شد یا بعد از افطار بهیوشی در همان روز  
 طاری گردید درین صورتها کفاره ساقط شود کذا فی العالمگیری و اگر افطار کرد و روزه  
 عمدتاً و بعد از ان با کراه سلطان یا باختیار خود ساقط شد کفاره ساقط نه شود کذا فی فتاوی  
 قاضی خان و اگر در حال صوم چنان کوشش در عمل نمود که بیمار شد و افطار روزه خست  
 در وجوب کفاره بر او اختلاف است کذا فی الدر المختار و در هر صورتی که شرا کفاره واجب  
 نیست مراد آنست که آن فعل مفسد صوم مکرر یا زود صادر نگردد و دیده باشد و اگر مکرر صادر گردد  
 زجر که کفاره واجب گردد کذا فی الدر المختار و کفاره روزه رمضان از ان که در ان یک مرتبه

مؤمن باشد یا کافر و در صورت عسرت و زه و دشمنی و مایه علی التوالی و به شبساین یا ام و طی  
 نمودن مانع توالی نیست کذا فی شرح ابی الکلام و بر تقدیر عدم طاققت خوراندن نه صحت  
 مسکین سلمان باشد یا ذمی کذا فی السراجیه و در کفاره اگر طعام را لازم گیر و نصف صاع  
 از گندم بهر مسکین و هر یک صاع از خر یا یا جو کذا فی السراجیه و اگر خواهد که نقد تمیتش دهد  
 تا هم و است و اگر خواهد طعام بخت کنانیده به صحت مسکین و وقت خوراندن خواه صبح  
 شام خواه و صبح خواه و شام خواه شام و صبح و هر دو وقت ایشان را بر شکم خوراند و اگر  
 خواهد که بوقت خوراندن قیمت و وقت دیگر دهد و اگر یک مسکین را شصت روز و دو هفته بخورد  
 تا هم و است و اگر طعام بقدر شصت مسکین بخت کنانیده به یک مسکین دهد گو یا یک مسکین  
 را خوراند کذا فی الدر المختار و اگر غله خام حساب شصت مسکین یک مسکین یک و زبد نقا  
 و مختلف نیست بعضی گفته اند که کافی خواهد شد از یک مسکین و بعضی گفته اند که بر است  
 زده خواهد گردید کذا فی البرجندی و صاحب تنویر البصار قول اول را صحیح نوشته اند اگر در مضی  
 واحد یا در رمضان چند مرتبه بفطار نوره و کفاره از اول ندارد الا کفاره واحد کافی خواهد شد  
 و مختار بعضی این است که فطر اگر بغیر جماع باشد متراخل خواهد شد و اگر جماع باشد متراخل نخواهد شد  
 کذا فی الدر المختار و در عالمگیری آمده که اگر در رمضان جماع نمود و برای اول کفاره ندارد و اگر  
 کفاره برای هر جماع واجب است بحدث اول در صورتی که فضا و کفاره هر دو لازم نشود  
 آ جماع کرد با آدمی زنده شستی در برابر قبل نماز متراخل نشود و این شود کذا فی الدر المختار  
 جماع کنانید و قبل یابد و بعد از انزال شود و نخواهد شد کذا فی الدر المختار جماع خورد یا نشود  
 غذای یار وانی عمد کذا فی الوقایه و حجامت کرد یا فصد گرفت یا مس کرد بلا انزال در من  
 فساد و زهره خیزی خورد و عمد اقصا و کفاره هر دو لازم شود و اگر او مضی معتد نفوی با فطر روزه  
 داده بود کفاره نیست کذا فی الدر المختار و لعاب زدن مجبوب خود و مخلوق فرد و کذا فی الدر المختار  
 و گوشت بد بود را عمد خورد کذا فی العینی و گوشت غیر مطبوع یا چربی غیر مطبوع را عمد خورد  
 کذا فی العالمگیری و کل اینی خواهد کل بگیرد که دوا نمیشود خورد کذا فی العالمگیری



طاسخ خورد باطن طلوع صبح و احتمال عدم طلوع فجر و در واقع فجر طالع بود کذا فی الاکان  
و در قنیه منقول از علماء حرامی آن سبت که کفاره لازم نیست محلی افطار کرد بحال شک  
در غروب آفتاب و پس از آن دریافت شد که آفتاب غروب نکرده بود کذا فی الاکان یا  
افطار کرد بحال ظن عدم غروب آفتاب خواه طاهر شود که آفتاب غروب نکرد یا چیزی ظاهر شود  
کذا فی العالمیه تبیین<sup>۱۱</sup> با دام طیب با حلق فرور برد کذا فی العالمیه تبیین ناقلا من محیط السخری شرح  
سحر خورد بحالیکه و مرگ گفتند که فجر طالع است و در مرگ گفتند که فجر طالع نیست و پس از آن معلوم  
شد که فجر طالع بود کذا فی شرح الی الکام علی المختصر<sup>۱۲</sup> تکس خورد علی المذهب المختار کذا فی شرح  
الی الکام و بعضی برین اند که اگر تکلیل خود و کفاره واجب است و اگر کثیر خورد کفاره واجب است  
یا جماع کرد با زن مجنون کذا فی البحرندی<sup>۱۳</sup> جماع کنانیدن با الفدا ز صبی از مجنون عذر کذا  
فی البحرندی نیز جو بریان کرده خورد و اگر غیر بریان کرده خورد فقط قضا است کذا فی مجمع البرکات  
صحیح از خودی آمد و لظن فساد روزه خورد و عذر اندام اعظم رخ خواه عالم باشد خواه جاهل قضا  
و کفاره هر دو لازم شود و نزد امام ابو یوسف صحیح جاهل فقط قضا است کفاره نیست کذا فی  
مجمع البرکات لظن خوردان یا در غن یا شیر یا بکر که یا آب خیار یا بالان یا برف یا آب قلیا یا بنجه یا  
کافور یا مشک یا زعفران یا غالیله یا لیلله یا آب صندل یا آب عفران کذا فی العالمیه تبیین  
آرد را خورد آما و جوب کفاره در نیت صورت نزد امام محمد است و نزد ابو یوسف کفاره واجب است و قبل  
اختلاف علی العکس کذا فی فتاوی تافغان<sup>۱۴</sup> کما بعد فجر کاذب سحر خورد و لظن فساد روزه طبع  
صبح صادق باز خورد کذا فی القنیه کتب<sup>۱۵</sup> ماه رمضان کمر بنجا یکلوخ بر می حصیه روزه را  
کرد و جزا که کذا فی القنیه کتب<sup>۱۶</sup> مرد با گراه زن بروز ماه رمضان جماع کرد کذا فی الوقایع الحسنة  
و در فتاوی عالمیه تبیین می آرد که در نیت صورت فقط قضا است کفاره نیست کذا فی طالع  
صبح صادق لوالسته از زوج مخفی و نیت و زوج ناهسته با او محبت نمود برین کفاره واجب است  
کذا فی الوقایع الحسنة که سبب پیش یا در غن یا لیل یا غنبت کرد یا احتمال کرد و یا نظر بشهوه  
نموده بشرط شرب و لظن فساد روزه خورد یا نوشید یا جماع کرد عذر کذا فی الاکان کما فی

مرده یا چارپایه را و منزل نشد یا منزل شد از دیدن سوئی زن یا از فکر کردن یا انگشت خشک  
 در و بر داخل کرد یا چوبی در و بر داخل کرد و جانب دیگر آن چوب بدست است و بطن فساد  
 روزه خورد عدا اگر عالم است قضا و کفاره هر دو لازم است و اگر جاهل است قضا لازم است  
 نه کفاره کذا فی فتاوی قاضی خان کفر تسوak کرد و بطن فساد روزه خورد عدا کذا فی العالمیه  
 کح<sup>۳۱</sup> پوست خربزه که تر باشد و طبع انسان از آن منفی نشود خورد و اگر خشک باشد یا طبع انسان را  
 مکروه میدانند کفاره نیست کذا فی العالمیه کط<sup>۳۲</sup> افطار کرد و بعد از آن روزه بر روزیست حی خیال  
 این که حی خواهد آمد و اتفاقا حی شاید کذا فی فتاوی قاضی خان ل<sup>۳۳</sup> نه بی بدیت و روزه افطار کرد  
 بی خیال این که در حیض است و در آن حیض ناکند کذا فی فتاوی قاضی خان لا<sup>۳۴</sup> بیض شد بسبب حی  
 کردن ذات خود و افطار روزه ساخت کذا فی الد<sup>۳۵</sup> المختار<sup>۳۶</sup> غسل کرد و بنگان فساد روزه  
 خورد عدا کذا فی فتاوی قاضی خان ج<sup>۳۷</sup> بادام یا خرما و تر یا خشک را خاشیه خورد کذا فی العالمیه  
 ل<sup>۳۸</sup> شکر را مکید و آب تا بخلق رسید کذا فی العالمیه که دانه انگور را خاشیه خورد یا بخیار  
 بخلق فرو برد بشرطیکه تفروق با او نباشد و اگر مع تفروق بخلق فرو برد غایبه علماء قضا و کفاره  
 را میفرمایند و نزد بعضی کفاره نیست و هو<sup>۳۹</sup> الصیح<sup>۴۰</sup> کذا فی العالمیه تیره ناقلا من الطیبه<sup>۴۱</sup>  
 کنجدی را از خارج گرفته بخلق فرو برد علی المختار کذا فی شرح ابی الکلام کز<sup>۴۲</sup> دانه گندم را بخلق  
 فرو برد کذا فی فتاوی قاضی خان ح<sup>۴۳</sup> خربزه خورد را بخلق فرو برد کذا فی العالمیه تیره لط<sup>۴۴</sup> پسته  
 خشک را خاشیه خورد و قتی که در آن مفر باشد کذا فی العالمیه تیره محبت<sup>۴۵</sup> دوم در وجوب  
 قضا بدون کفاره آ بجالی باید روزه منقضه کرد و آب و بخلق فرو رفت کذا فی شرح ابی الکلام  
 سب<sup>۴۶</sup> با کراه و حیوط عامی خورد کذا فی العالمیه تیره ج<sup>۴۷</sup> حقیقه گرفت یعنی دو از جانب و بر بزر  
 برد علی الصیح و نزدیک بعضی و وجوب کفاره هم است کذا فی فتاوی قاضی خان و<sup>۴۸</sup> خیری مثل وایاک  
 و بیخی<sup>۴۹</sup> کذا فی الد<sup>۵۰</sup> المختار<sup>۵۱</sup> دوا را قطره قطره انداخت در گوش کذا فی حاشیه الجاهی  
 شرح الوقایه و سفر کرد و بی بدیت باید که افطار آن روزه نکند اگر افطار کند قضاست فقط کذا فی  
 مسیح<sup>۵۲</sup> البکات<sup>۵۳</sup> و دوائی تیره انداخت بر خم سیر از خم سیر اندرون باغ شکم میرد کذا فی الهیات

و در عالمگیریه می رود که نزد اکثر مستایخ اعتبار رسیدن و فواید اجوف و باغ سنت تری خوشی است  
 نیست و اگر تحقق گردد که دوا می خشک رسیده است صوم فاسد خواهد گشت اگر تحقق نگردد دوا  
 نیز رسیده است مفسد صوم نیست و اگر هیچ یکی ازین هر دو امر معلوم نشود پس اگر دوا می تر باشد نزد امام  
 اعظم رج روزه او فاسد است و نزد صاحبین فاسد نیست و اگر دوا می خشک باشد فساد روزه نیست اتفاقا  
 ح بکلفه فی انوار بحال روزه به پیری و من کذا فی الدلائل طحطح و یا افطار کرد و بطین شب  
 و در واقع فطر طالع بود در صورت اولی یا آفتاب غروب نشده بود در صورت ثانیة کذا فی تنویر  
 الابصار منی خورد یا نوشید چیزی یا جماع کرد و هوا و بطین فساد روزه خورد و عذر کذا فی فتاوی  
 قاضیخان آیا جماع کرده شد زنی بحال صوم کذا فی تنویر الابصار سیب و تمام رمضان نیست  
 کرد و نیست افطار کذا فی الدرایة یعنی در شرح برای تحریری نماید که ظاهر این مسئله اشکالی دارد  
 و لالت حال مسلمانی است برای نیت که اینک دلیل کرده شود باین طور که آن شخص مرخص شد  
 یا مسافر یا عادت فطر در رمضان میدارد تا حال در دلیل بر نیت صوم نگردانیده شود و هیچ مانع نشود  
 باینکه نیت روزه نگردد بود پس خورد قصدا کذا فی تنویر الابصار یک قطره باران یا بیرون  
 جلق خورد و نیت کذا فی الدرایة نیز و طی خود با زن برده یا زن صغیر غیر مشتمت یا چار یا پیر  
 یا در غیر قبل یا در بر چوران و شکم یا بوسه ادا یا لمس نمود یا جلق زد یا مباشرت فاحشه نمود و در همه  
 صورتها نیت باطل است و سبیه باشد کذا فی الدلائل طحطح خون را نوشید علی الاطلاق و بعضی  
 روایات کفار هم واجب است که کذا فی مجمع البرکات نیز اشک چشم یا عرق پیشانی آن قدر که  
 تلویحه آن در تمام دهن یا فته شود بجلق فرو برد کذا فی العالمگیریه شرح از ریالقره یا مرد و زن  
 یا یکدیگر یا هر یک که مقدار نخود یا زائده از آن بدنمان مانده باشد خورد کذا فی الدلائل  
 شرح الدرایة فی افطار کرد و باینکه دو کس غروب آفتاب و دو کس بر عهد غروب  
 ادای شهادت کردند و در واقع غروب آفتاب نشده بود کذا فی الدلائل طحطح است  
 که بشهر خود قبل و اهل در آمد و نیت روزه ساخت پس الا ان جماع کرد و یا مجنون که اقامت  
 قبل و اهل نیت صوم کرد پس از ان جماع کرد عذر کذا فی العالمگیریه طحطح خورد و یا یک

یک مرد و ادای شهادت بر طلوع فجر و ادود و کسب عدم طلوع پس ازان معلوم شد که فجر طلوع بود  
 کذا فی العالمگیره کسب سنگ یا خاک یا سنگ نره یا تخم خرما یا کلوخ یا اینی یا گیاه یا کاغذ یا  
 اخوت تر یا خشک یا دانه خشک یا بیض مع پوست یا انار مع پوست یا دانه گوسفینور یا برنج مخلوق فرو  
 کذا فی العالمگیره کسب اجواب این سوا می محبوب خود مخلوق فرو برد کذا فی مجمع البرکات کذا  
 بحال خواب آب نوشید کذا فی مجمع البرکات که گوشتی که کم از مقدار خود بخورد بندگان مانده  
 آنرا از زمین خارج نموده باز خورد کذا فی الدر المختار کذا و دوتا کورا مخلوق داخل کرد کذا فی  
 الارکان کذا آهین خورد کذا فی المذاق کسب افطار کرده بجا لیکه در غروب آفتاب شک میشت  
 و چیزی ظاهر نشد و نزد فقیه ابو جعفر درین صحت کفاره اهم و واجب است کذا فی العالمگیره  
 کسب افطار کرد بحال یقین غروب آفتاب یا سم خورد بحال یقین بقای شب پس ازان  
 هر دو صورت خطا ظاهر گردید کذا فی الارکان کسب وزن با هم عمل بحال کرد و در منزل شد  
 و اگر منزل نشوند فساد روزه نیست کذا فی العالمگیره کسب لا وقت خوردن روزه و اگر کسی گفت  
 که تو روزه داری و او گفت و ده داریم و خورد پس یاد کرد که روزه و او بدو کذا فی شرح ابی الکام  
 کسب در روزه جوئی تمامه اهل نموده اگر طری میرود مانده باشد فساد روزه نیست کذا فی  
 شرح ابی الکام کسب زنی بفرج داخل خود و پنبه داخل نمود و چیزی از آن بفرج خارج نموده و اگر طری  
 بفرج خارج مانده باشد فساد روزه نیست کذا فی شرح ابی الکام کسب مردی با کراه جماع کرد کذا فی ابی  
 له زنی که با کراه با جماع کرده شد خواه بعد ازان راضی شد یا نشد کذا فی العالمگیره کسب  
 مگس اعدا از دست خود گرفته خورد کذا فی مجمع البرکات کسب علاج کرد و کرد خود را بدست خود یا  
 علاج کنانید از دست زن و نترل شد کذا فی مجمع البرکات کسب آرد سیرشته خورد کذا فی فتاوی  
 قاضی خان کسب زنی قطره قطره در قبل خود آب روغن انباشت کذا فی الدر المختار کسب  
 بوقت غسل آب مخلوق فرو رفت کذا فی العالمگیره کسب اما شخصی چیزی بسو صائم انداخت آن چیز  
 بمخلوق صائم فرو رفت کذا فی العالمگیره کسب مردی بزوجه خود گفت پسین که فجر طلوع شد یا نه  
 او بدو گفت که طلوع نیست پس آن مرد با جماع و بعد ازان ظاهر شد که فجر طلوع بود بآن مرد گفت

نیست کذا فی العالمگیریه حج وقت سحر خوردن جماعتی آمده گفتند که فجر طلوع است آن شخص  
 بخمال فساد روزه بعد از سحر نیز خورد پس از آن معلوم شد که خوردن اول قبل طلوع فجر بود و خوردن  
 ثانی بعد طلوع فجر و اگر یک شخص آید به فجر طلوع فجر و بعد از آن شخص بخمال فساد روزه خورد و گفت  
 بهم لازم است کذا فی العالمگیریه فکر بزرگتر یا چه پیچیده و طی نمود بشرطیکه باید باطل و وصول حرارت  
 باشد و اگر کفار هم لازم شود کذا فی القیسه که گوشتی را برشته بسته بخلق فرو برد و اگر نورانی شود  
 گوشت مفید نیست کذا فی العالمگیریه چوبی را تا سحلق فرو برد و اگر طری از آن بیرون مانده باشد  
 فساد روزه نیست کذا فی العالمگیریه در سنج لبالبه نمودن این که آب تا مقام سیدین حقنه رسید  
 کذا فی العالمگیریه تخم قناریه که کسی شخص را بخلق فرو برد کذا فی العالمگیریه بطاکی را که از آن میشویند  
 خورد و اگر عادت خوردن آن گل باشد کفار هم لازم است کذا فی العالمگیریه بعد طلوع فجر بقیه  
 سحر از دهن برآورده بخلق فرو برد یا بعد از یاد آمدن روزه بقیه نان که سوا بدین داشته می خایند  
 از دهن برآورده بخلق فرو برد و اگر در هر دو صورت فرو بردن بخلق قبل از بریدن از دهن باشد  
 کفار هم لازم است کذا فی العالمگیریه از خود قیامد بری دهن بقصد خود باز گردانید و اگر کسی  
 دهن آمده و از باز گردانید فساد روزه نیست کذا فی التویر الالبصار فی سحر و میته کرم فساد را  
 و اگر کرم نافتاده باشد قضا و کفار هم لازم شود کذا فی فتاوی قاضی خان حج بخلق فرو برد  
 لعابیکه سبب گرفتن بشیم در دهن زرد یا سرخ گردید کذا فی العالمگیریه ندب خشک را بخلق فرو  
 برد و اگر تر باشد حکمش مانند حکم خروث است کذا فی العالمگیریه غازی بخمال خوف ضعف افتاد  
 کرد و اتفاقا قتال افتاد کذا فی العالمگیریه قاعده کلیه هر چیزی که داغ و غذا خوردنی شود مانند  
 سنگ خاک از خوردن آن کفار و واجب نمیشود کذا فی جمع البرکات خاتمه خواند فایده او  
 اگر گویند برای خداست بر من روزه لازم می گردد و او را میخورد و اگر گوید روزم لازم میگردد و او را  
 سه روزه کذا فی الدر المختار و اگر نذر سازد که افضل ایام از سال روزه خواهم داشت نهضت  
 بشود بسوی نه یوم اول قی حجه و اگر نذر سازد که افضل ایام از سال روزه خواهم داشت نهضت  
 بشود بسوی روزه غره و اگر گوید که افضل روز از ایام هفت روزه خواهم داشت نهضت بشود بسوی

سعی الی جلیب نوز و زنا است و اگر خاییده و زنا در تنها کند و از نوز و زنا کلام است

بسوی روز جمعه کذا فی بابت باسنته فائده دوم غازی گردانده در رمضان قتال از عدو  
 خواهد گردید و از صوم خوف خفست است افطار او را جائز است کذا فی العالمگیریه فائده سیم  
 صاحب حرفه را خیال این که اگر روزه داشته مشغول حرکت خود خواهد گشت ضرر که باعث  
 فطر نماید عارض حال نخواهد گردید یا فطر کردن قبل حدوث رخص جائز نیست کذا فی العالمگیریه  
 فائده چهارم اگر بحال صوم هم ضعیف شود و از اتمام صوم من زیادت مرض است افطار  
 کردن او را جائز است کذا فی الارکان فائده پنجم اگر کسی بیک روز روزه دارد که روزه را  
 کرده می خورد اگر او جوان قادر بر اتمام روزه باشد باید که بپنجه یاد و باز او را دهنه یاد و باز  
 کرده است و اگر ضعیف قادر بر اتمام روزه نیست باید که بپنجه یاد و باز او را دهنه یاد و باز  
 دعوات ان الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید المرسلین وعلی آله الطیبین واهل بیتهم  
 هذا استراح العلم من التصنیف وحصیل الفرائغ من التألیف بعون الله المنان فی التاسع عشر  
 من شعبان ۱۲۹۱ هـ من هجرة رسول الثقلین علیه وعلی آله صلوات ربنا الشرفین

خاتمة الطبع محمد بن علی احسانه که رساله مملو از فوائد جلیله و پیرایه نافع بنیله بحیث  
 بیان واضح مفید هر خاص و عام اعنی خیر الکلام فی مسائل الصیام تصنیف جناب فیض  
 مادی صراط مستقیم مولانا محمد عبد الحکیم اوفد الله فی دار النعم حسب ذلالت جناب  
 فیض انشباب مولانا حاجی حافظ محمد عبد الحی صاحب حفظه الله عن الآفات الشیخ  
 و مطبع انوار قادتهم الی وجود القهرین بخرقه جلاله و احسین علیه وعلی آله  
 صلوات خالق الثقلین شیهه کتبه در مطبع  
 گلشن محمدی روضه طبع یافت  
 ط

چه بفرمایند علمای دین و مفتیان شرع متین اندرین مسائل اول اینکه عادت حفاظت است که بر روز ختم قرآن تراود  
 در رکعت اجماع بر تکرار سوره بقره است و این را اهل فقه و مجتهدین می شمارند این تکرار جایز است و واجب یا نه در علم فقه  
 عادت حفاظت است که بر روز ختم در رکعت نوزدهم قبل از عود بر افعال قبل از عود بر الناس می خوانند و در رکعت بیستم بعد از  
 آنکه تمام شوند می خوانند این امر جایز است یا نه متقدمان گفته اند عادت حفاظت است که در رکعت بیستم بعد از تکبیر اول می خوانند  
 الا حرمه للعالمین بلکه جایز است که هر کس بخواهد آن را بکشد یا نه و غیره و آنکه کوی می کنند این فعل مستحب است یا نه چنانکه  
 در خارج سوره قرآن اگر یک مرتبه هم بعد از تالیخ می خوانند ختم تمام خواهد شد یا نه ختم حفاظت است که بعد از  
 روز ختم بر سر قل هو الله می خوانند و بر سر سوره دیگر این تخصیص است یا نه بیتوا توجروا  
**جواب** سوال اول در خواندن امواد می آید فی الحقیقه تکرار السوره فی رکعة واحدة فی الفرائض و لا بأس به  
 فی التطوع انتهى و صاحب طایب المعیاد و شرح خلاصه کیرانی در ذکر کرده است تا مزی نویسد تکرار السورة الواحدة علی  
 فی رکعة واحدة فی فرض من الفرائض بان التمام فی التمام و چون تالیخ هم تطوع است تکرار سوره قل هو الله  
 یا غیر این در یک رکعت کرده خواهد شد و اصل این سوره آن است که در حدیث صحیح مروی شده که آنحضرت صلی الله علیه و آله  
 و سلم گاهی در سجده می نشست و چند بار می فرمودند و صاحب دنا بعین می گویند منقول شده تا ما احسان که سوره  
 اخلاص بوقت ختم قرآن چون از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم منقول نشده احسان شرعی نخواهد بود بلکه استحسان  
 عرفی و فتاوی عالمگیری می آید و تکرار قل هو الله ثلاث مرات بحقیق ختم کم می باشد بعد از بعضی اشخاص و احسان که اکثر اشخاص  
 بحکم نقصان دخل فی قراة البعض الا ان يكون ختم القرآن فی الصلوة المكتوبة فلا یزید علی سوره واحدة کذا فی العروة  
 انتهى و در اتفاق می نویسند عن الامام حرانیه من تکریر سورة الاخلاص عند الختم لکن عمل الخاص علی خلافه انتهى  
 و اینجا واضح شد که این تکرار سوره شرعی نیست چه از صاحب شرع ثابت نشده و لهذا لازم صریح منع آن بر نهفته  
 مستحب می باشد پس استیجاب العلماء **جواب** سوال دوم جایز است و غیر آنکه بعضیین می آید در ختم قرآن فی الصلوة  
 از اذین من المحدثین فی الركعة الاولى یسبح ثم اقام فی الثانیة یقر شیئا من البقرة انتهى و اصل آن حدیثی است  
 جامع ترمذی غیر مرئی است قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم احب الاعمال الی الله الخصال المثل الذي یضرب  
 من الی اخره کما حل الخجل و در اتفاق می آید از خراج الدار می آیند حسن عن ابن عباس عن ابی بن کعب انهما را



عليه وعلى آل وسلم كان اذا قرأ قل أعوذ برب الناس افتتح من الحمد ثم قرأ الحمد الى اولئك لم يلقون ثم دعا بعا  
الخمسة ثم قام انتهى جوايب سوال سوم قرأت آيات منفردة بعد ختم قرآن همچنانكه معمول است وياست در كتاب  
كتاب فقه معتبر لشيخ تخریش بنظر نرسیده و در حديث بنی ازین چنین قرأت مروی شده است صاحب لقان  
می طراز دانا خلط سورة بسورة فهدى العليمي تركه من الآداب لما اخرج ابو عبد الله عن سعيد بن السديان رسول الله  
صلى الله عليه وآله وسلم مر به ان يقول من هذه السورة من هذه السورة فقال لا بلال مررت بك انتم تقولون  
هذه السورة ومن هذه السورة قال قل الله الطيب الطيب فقال اقرأ السورة على وجهها او قال على نحو ما سأل  
وهو عند ابى داود وموصول عن ابى هريرة بدون آخره واخره ابو عبد الله بن وجه آخر عن عمر بن الخطاب عن رسول الله  
صلى الله عليه وآله وسلم قال بلال اذا قرأت السورة فانفذه او قال حدثنا معاوية بن ابي سفيان قال سألت  
ابن سيرين عن الرجل يقرأ من السورة آيتين ثم يهجمها ويأخذ في غير ما قال ليقول احدكم ان يا قوم انما كبروا و هو لا  
واخرج عن ابن مسعود قال اذا ابتدأت في سورة فاروت ان تقول منها الى غير ما تقول الى كل هو الله احد فاذا انتهت  
فيها فلا تقول منها الى غير ما واخرج عن ابى النضر قال كانوا يكرهون ان يقرأ بعض الآيات ويعدو بعضها قال  
ابو عبد الله الامر عندنا على كبرية قراءة الآيات المختلفة كما انكر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من سيرة ابي عبد الله  
فوجهه عندي ان مبتدئ الرجل في سورة يريد ان يقرأها ثم يبدل في اخرى فانما من ابتدء القراءة وهو يريد التقليل  
من آية الى آية وترك التاليف لآي القرآن فانهما يغلب من لاعلم له وقد فعل القاصي ابو بكر الاجماع على عدم جواز قراءة  
آية ثم قال السبيعي وحسن ما يخرج بان يقال ان هذا التاليف كتاب الله ما خذ من جهة النبي صلى الله عليه وآله وسلم اخذ  
عن سبط الاول ان يقرأ على التاليف المنقول انتهى اگر گفته شود كه بعض ارباب قرايش صاحب طلبه وغيره  
تخریم کرده اند كه انتقال از يك سورة بسوى سورت ديگر و از يك آيت به ميقات ديگر در فرض مكرره است نه در نوافل  
پس تراويح و پنجين قرأت كبريه نخواهد شد و رفع آن باينطور نخواهد كه هرگاه در حديث صحيح نبى صحيح ازين  
وارد شده جاي چون و چرا باقى نمانده شايد به صاحب خلاصه حديث نرسیده كه تجويز آن در نوافل پر و خمت  
و لهذا صاحب حديث القدير بر آن اعتراض كرده وى نويسد قال فى الخلاصة هذا كله فى الفرق الخمسة واما فى النوافل فلا يكره  
وعندي فى هذه الكلية نظرا فانه صلى الله عليه وآله وسلم على آل وسلم نبى بلال لا عن الانتقال من سورة الى سورة وقال اذا ابتدأت  
سورة فاتمها حين سمعت ينقل مسجدة الى سورة فى التجاوز انتهى واصل سرورين باب اين است كه بعضى از قرأت آيات مختلفه

بسبب است ناموسیت تا گفته شود که در نوافل مستحق است و ترش نشل حرمت قرآن است و حکم جواز آن  
در نوافل اوده شود بلکه نمی ازان بسبب حرمت نفس قرآن است چه در چنین قرأت تالیف قرآن مبدل می شود  
چنانچه از تحریر بیعتی واضح است پس درین باب فی النفس نوافل مساوی داشته خواهند شد **جواب سوال** چاره  
متاخرین جنفید اص آن است که بسم الله تعالی است آیات قرآنی نازل شده است برای فصل پس اگر یکبار هم نخواهد  
ختمش ناقص خواهد شد که ما توضیح فی تحریر الاصول لابن الهمام و غیره تفصیل این مسئله گفته در رساله خود احکام القنطر  
فی احکام التسمیه ساخته ام **جواب سوال** پنجم این شخصیت بلاخص نیست در اول هر سوره یکبار خوانده کفایت خواهد کرد  
و ادا علم بالاصواب و عند حسن الثواب حرره الراعی عفور بالقوی ابو الحسنات محمد عبدالحی تاج و ادا عن نهجی  
و اخفی و حفظه عن وجهات الفی **محمد عبدالحی**  
**ابو الحسنات** صحیح جواب حرره محمد زکریا الدندی عن نهجی

بند و الحیث فانه فی کل جواب بصیب و یویدیه ما فی ثلاثان و الحکمة فیه و اورد انها قد تلک القرآن فحصل  
ختمه فان قیل لکان یبغی ان یقرأ الباقی لیس یحصل ثمتان قلنا المقصود ان یکون علی حصول الختمه اما التی قرا  
و اما التی حصل ثوابها بتکریر السوره فقلت حاصل لک یرجی الی غیر العبد حصل من فعل انتی فی الواقع ترجیح تثلثت شود  
اخلاص ترجیح ارادی قار بنظر قرآن حکمی در صوت تثلثت خواهد بود و الا فلا تخصیص شعاع رقمه العبد الاثم الا واده  
محمد سعد الله عفا الله عنه چناه ما و رده الحیث فی الجواب قرین باحق و الصواب

مدرس مدرسه شبانه

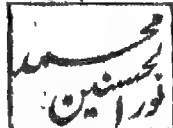
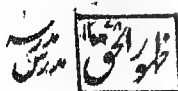


مدرس



الجواب صحیح

صحیح الجواب



در حقیقت تکرار قل هو الله و ختم تراویح میاج است شیخ بدرالدین محمد هندی در شرح خلاصه کیدانی سبیل السادین  
الی اعلی العلیین آمد البایب الحاسن فی البیاضات هی اربعه عشر و اخاص ثلثه تکرار السوره فی رکعت واحدته فی الطلوع ای فی  
السنة و النفل و اما فی الفرض تکرار و انتی مختصرا بکذا استحسنات که با اطراف و اقطار است متعجب غنیه استعلی فی شرح

[illegible]

و در عالمگیر پستی آنکه نزد اکثر مستأج اعتبار رسیدن و عاونا بوجوه و باغ مست تری خوشگلی است  
 نیست و اگر تحقیق گردد که دوا می خشک سیده است صوم فاسد خواهد گشت اگر تحقیق گردد که دوا  
 ترز سیده است بنفس صوم نیست و اگر هیچ یکی ازین هر دو معلوم نشود پس اگر دوا می تر باشد نزد امام  
 اعظم روزه او فاسد است و نزد صاحبین فاسد نیست و اگر دوا می خشک باشد فساد روزه نیست اتفاقا  
 ح بجهت کفایتی نبود بجالان روزه بر پیری و آن کذا فی الد الختار فطر خود یا افطار کرد و بطن شب  
 و در واقع فطر طالع بود در صورت اولی یا آفتاب غروب نشده بود در صورت ثانیه کذا فی تنویر  
 الابصار مثالی خورد یا نوشید چیزی را یا جماع کند سهوا و بطن فساد روزه خورد و عذرا کذا فی فتاوی  
 قاضی خان یا جماع کرده شد زنی بجالان نوم کذا فی تنویر الابصار سیب در تمام رمضان نیست  
 کرد و نه نیت افطار کذا فی الهدایة و معنی در شرح هدایت تحریر می نماید که ظاهر این مسئله شکالی دارد  
 و حالت حال مسلم کافی است بر ای نیت مگر اینکه تاویل کرده شود باین طوری که آن شخص میباید  
 یا مسافر یا عادت فطر در رمضان میدارد تا حال او دلیل بر نیت صوم نگردانیده شود و هیچ صبح شد  
 بجا لیک نیت روزه نگرفته بود پس خورد و قصد کذا فی تنویر الابصار لیک قطره باران یا برف در  
 حلق فرو رفت کذا فی الهدایة نیمه و طی نمود بازن مرده یا زن صغیره غیر مشتهات یا چارپایان  
 یا در غیر قبل یا در پنجوران شوکم یا بوسه ادا یا لمس نمود یا جلق زد یا مباشرت فاشه نمود و در همه  
 صورتها نوبت با تزل سیده باشد کذا فی الد الختار و خون را نوشید علی انطاس و بعض  
 روایات گفته اند هم واجب بود کذا فی مجمع البرکات نیز اشک چشم یا عرق پیشانی آن قدر که  
 ملوحت آن در تمام دهن یافته شود به حلق فرو برد کذا فی العالمگیر شیخ از رانقو یا مردوا  
 یا دیگر چه امر را گوشتیکه بمقدار خود یا زائد از آن بدنمان مانده باشد خورد کذا فی العین  
 شرح الهدایة فطر افطار کرد و بجا لیکه دو کسین خود سیب آفتاب و دو کس بر عدم غروب  
 ادوا می شهادت کردند و در واقع غروب آفتاب نشده بود کذا فی الد الختار کسین  
 که بشه خود قبل از آن درآمد نیت روزه ساخت پس از آن جماع کرد و عذرا یا بمنون که اتفاقا  
 قبل از آن نیت صوم کرد پس از آن جماع کرد و عذرا کذا فی العالمگیر کسین خود و بجا لیکه

یک مرد و ادای شهادت بر طلوع فجر داد و در کسب عدم طلوع پس از آن معلوم شد که فجر طلوع بود  
 کذا فی العالمگیریه کتب سنگ یا خاک یا سنگریزه یا تخم خرنایا کلوخ یا بنیه یا گیاه یا کاغذ یا  
 اخروث تر یا خشک یا با و ام خشک یا میضیع پوست یا نارمع پوست یا دانه خشک یا بویا برنج مخلوق فرو  
 کذا فی العالمگیریه کتب العاقب بن سوسای محبوب خود مخلوق فرو برد کذا فی مجمع البرکات کذا  
 بحال خواب آب نوشید کذا فی مجمع البرکات که گوشتی که کم از مقدار خود بدندان مانده  
 آنرا از دهن خارج نموده باز خورد کذا فی الدر المختار کذا و در تمام کار با خلق داخل کرد کذا فی  
 الارکان کذا آهین خورد کذا فی المداویح افطار کرد بجاییکه در غروب آفتاب شک شیت  
 و چیزی ظاهر نشد و نزد فقیه ابو جعفر رخ دین دعوت کفار هم واجب است کذا فی العالمگیریه  
 کذا افطار کرد بجای یقین غروب آفتاب یا سحر خورد بجای یقین بقای شب پس از آن  
 هر دو صورت خطا ظاهر گردید کذا فی الارکان و وزن با هم عمل حال گردید و مترل شد  
 و اگر مترل نشوند فساد و زهر نیست کذا فی العالمگیریه لا وقت خوردن روزه و آنحضری گفت  
 که تو روزه داری و او گفت زهره داریم و خورد پس یاد کرد که روزه دارد و دم کذا فی شرح ابی الکلام  
 کتب ۳۲ و در زهر خود حیوانه اخل نمود و اگر طری میرون مانده باشد فساد و زهر نیست کذا فی  
 شرح ابی الکلام کتب ۳۳ زنی بفرج داخل نمود و پینه داخل نمود و چیزی از آن جفج خارج نموده و اگر طری  
 بفرج خارج مانده باشد فساد و زهر نیست کذا فی شرح ابی الکلام کتب ۳۴ مردی با کراه جماع کرد کذا فی الایام  
 کتب ۳۵ زنی که با کراه با جماع کرده شد خواه بعد از آن راضی شد یا نشد کذا فی العالمگیریه کتب ۳۶  
 مگس اعدا از دست خود گرفته خورد کذا فی مجمع البرکات کذا علاج کرد که خود را بدست خود یا  
 علاج کنانید از دست زن و مترل شد کذا فی مجمع البرکات کتب ۳۷ آرد شسته خورد کذا فی فتاوی  
 قاضی خان کتب ۳۸ زنی قطره قطره در قبل خود آب ریخت و آنرا داخل کرد کذا فی الدر المختار کتب ۳۹  
 بوقت غسل آب مخلوق فرو رفت کذا فی العالمگیریه کتب ۴۰ شخصی چیزی بسو صائم انداخت آن چیز  
 مخلوق فرو رفت کذا فی العالمگیریه کتب ۴۱ مردی تروچه خود گفت پسین که فجر طلوع است پینه  
 او دیده گفت که طالع نیست پس آن مرد با جماع کرد بعد از آن ظاهر شد که فجر طلوع بود و بر آن مرد کذا

نیست کذا فی العالمگیریه حج و وقت سفر خوردن جماعتی آمده گفتند که فخر طالع است آن شخص  
 بخمال فساد روزه بعد از این نیز خوردن پس از آن معلوم شد که خوردن اول قبل طلوع فجر بود و خوردن  
 ثانی بعد طلوع فجر و اگر یک شخص آید به خبر طلوع فجر و او بعد از آن شخص بخمال فساد روزه خورد و کفار  
 هم لازم است کذا فی العالمگیریه مگر بر آنکه باید چه پیچیده و طی نمود بشرطیکه باید مانع وصول حرارت  
 باشد و الکافره هم لازم شود کذا فی القیقه که گوشتی را برشته بسته بخلق فرو برد و اگر فرو کشیده  
 گرفت مفید نیست کذا فی العالمگیریه قوی را تمام بخلق فرو برد و اگر طرفی از آن بیرون نماند با  
 فساد روزه نیست کذا فی العالمگیریه هر دو استخار با لفظ نمودن این که آب تا مقام سیدین حقنه سید  
 کذا فی العالمگیریه حج قمره خایه کسی شخص را بخلق فرو برد کذا فی العالمگیریه شرط کلی را که از آن سینه بنید  
 خورد و اگر عادت خوردن آن گل باشد کفار هم لازم است کذا فی العالمگیریه بعد طلوع فجر بقیه  
 سحر از دهن بر آورده بخلق فرو برد یا بعد از یاد آمدن روزه بقیه نان که سهوا بدین داشته می خایند  
 از دهن بر آورده بخلق فرو برد و اگر در هر دو صورت فرو بردن بخلق قبل از بریدن از دهن باشد  
 کفار هم لازم است کذا فی العالمگیریه نا از خود تو آید بپیری و دهن بقصد خود باز گردانید و اگر کراهی  
 دهن آمده و آنرا باز گردانید فساد روزه نیست کذا فی تنویر الابصار ش خورد میت کرم افتاده را  
 و اگر کرم افتاده باشد تضاد کفار هم لازم شود کذا فی فتاوی قاضی خان حج بخلق فرو برد  
 لعابیکه سبب گرفتن لبیم در دهن بر پاشند گردید کذا فی العالمگیریه ندب است خشک را بخلق فرو  
 و اگر تر باشد مکش مانند حکم اخروست است کذا فی العالمگیریه غازی بخمال خوف شعوف افطای  
 کرد و اتفاقا قاتل فتا و کذا فی العالمگیریه قاعده کلیه هر چیزی که دار و غذا خورد نمی شود و نه  
 سنگ خاک از خوردن آن کفار و واجب نیست کذا فی جمع البرکات خاتمه نوایز فائده که  
 اگر گوید برای خدا است بر من روزه لازم می گردد و او را یک روزه و اگر گوید روزی لازم میگرد و او را  
 سه روزه کذا فی الد المختار و اگر نذر سازد که افضل ایام از سال روزه خواهم داشت نصف  
 شود بسوی نه یوم اول فی حجه و اگر نذر سازد که افضل یوم از سال روزه خواهم داشت نصف  
 شود بسوی روز عرفه و اگر گوید که افضل روز از ایام هفته روز خواهم داشت نصف می شود بسوی

عینی که حاجتی از روزه ندارد فساد روزه ندارد و اگر کفار هم لازم است کذا فی العالمگیریه

بسوی روز جمعه کذا فی باجنت بالسنه فائده دوم غازی گردانده در رمضان قتال از حد  
خواهد گردید و از بیوم خوف تنقذ است افطار او را جائز است کذا فی العالمیه قایده سیم  
صاحب حرفه را بخوبی این که اگر روز دهم شش شغل آخر وقت خود خواهم گشت ضرر یک باحت  
فطر نماید عارض عالم خواهد گردید با فطر کردن قبل حدوث مرض جائز نیست کذا فی العالمیه  
فائده چهارم اگر بحال صوم مرضی حادث شود و از تمام صوم ظن زیادت مرض است افطار  
کردن او با جائز است کذا فی الارکان فائده پنجم اگر کسی بید روزی دارد که روزی  
کرده می خورد اگر او جوان قادر بر تمام روز باشد باید که بنشیند یا در بیداری و نه بیداری  
کرده است و اگر ضعیف قادر بر تمام روز نیست یا در بیداری شرح ابی الکوارم آخر  
و دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی سید المرسلین و علی آله الطیبین و صحابه المکرمین  
فلا استراح العلم من التصنیف و حصل الفراغ من التألیف بعون الله المنان فی التاسع عشر  
من شعبان ۱۱۶۶ هـ من حجۃ رسول الثقلین علیه و علی آله صلوات ربنا وعلینا

### خاتمة الطبع

بیان واضح مفید هر خاص و عام اعنی خیر الکلام فی مسائل الصیام تصنیف جناب  
هادی صراط مستقیم مولانا محمد عبد الحکیم اوخا که فی دارالنفیس حسب وراثت جناب  
فیض انشاب مولانا حاجی حافظ محمد عبد الحی صاحب حفظه کدعن الآفات و الشین  
طبع انوار فاد اتم الی وجود القبرین بخرقه عبد الحسن و حسین علیه و علی ذرار

صلوات خالق الثقلین بشهر کهنه و مستطیع  
گلشن مجسمی رونق طبع یافت

ط





[illegible]

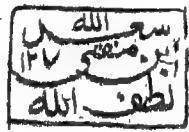
سبب است فافهیت تا گفته شود که در نوافل مساعی است و تشریف مثل حرمت و انکس است و حکم و ازان  
 در نوافل او میشود بلکه نهی ازان سبب حرمت نفس قرآن است چه درین چنین قرأت تالیف قرآن مبدل می شود  
 چنانچه از تحریر یقینی واضح نیست پس این باب فی النصف نوافل مساوی است خواهند شد جواب سوال چارم  
 متاخرین تفصیل صحیح آن است که بسوالتی است از آیات قرآنی نازل شده است برای فصل پس اگر یکبار هم بخواند  
 خمشت ناقص خواهد شد که ما بهیچ فی تحریر الاصول لابن الهمام و غیره و تفصیل این مسئله که در رساله خود احکام القنط  
 فی احکام السنه ساخته ام جواب سوال پنجم این تخصیص بدان تخصیص است و اول هر سورتیکه خواند کفایت خواهد کرد  
 و ایند اعلم بالاصواب و عند حسن الثواب حرره الراعی عنور به القوی ابو الحسنات محمد عبدالحی تاج و اندر عن فی الجلی

و اخصی حفظه عن موجهات الفی **محمد عبده الح** **ابو الحسنات** صحیح جواب حرره محمد مرست الله عنی حسن

تقدیر الحبیث فانی کل جواب بضمیمه و یوید ما فی الاثقان و الحکیمه فیا و در انها تقدیر ثلث القرآن فمصلح  
 ختمه فان قبل کان ینفی ان یقر اربعاً لیحصل ختمتان قلنا المقصود ان یکون علی حصول الختمتا ما التی قرأنا  
 و اما التی حصل ثوابها بتکریر السنه قلنا محال ان یکبرج الی غیر العمله حصل من فعل انتی فی الواقع ترجیح ثلثیت سنه  
 اخلاص ترجیح ارادی قار بنظر قرآن حکمی در صورت ثلثیت خواهد بود و الا فلا تخصیص شرعاً و قبله العباد الاثم الاداه

محمد سعد الله عنی الله عنه چاه ما و روه الحبیث فی الجواب قرین بالحق و الصواب

مدرس مدرسه شبای **ابو اسامه**



صحیح جواب

**ظهور الحق** مدرس

ابو اسامه صحیح



و حقیقت کما نقل هو الله در ختم تراویح مبلغ سست شیخ بدرالدین سمرقندی در شرح خلاصه کبیری مسمی بحجرات المؤمنین  
 الی علی العلیین آورد البایا الفاس فی البیامات هی احدى عشر و انما ثلثه تکرار السنه فی رکعه واحده فی الطلوع ای فی  
 السنه و انقل و اما فی تفرص نموده اند منی مختصر البیاد و تحسنات که کبار اطراف و انظار است صاحب غنیه المستمل فی شرح

[illegible]





CALL No. {

٢٩٤٥٣٥٤١  
ج ١٢ خ

ACC. No.

١١٦٥٩

AUTHOR

محمد عبد الحليم

TITLE

مسائل الصيام في خير الكلام

ج ١٢ خ

١١٦٥٩

٢٩٤٥٣٥٤١  
٢٢٢.٥.٥١

محمد عبد الحليم

مسائل الصيام في خير الكلام

Date	No.	Date	No.



# MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

## RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1/- per volume per day shall be charged for text-books and 10 P. per vol. per day for general books kept over-due.